

توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم‌تر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن‌گذار غافل نباشند.



M o s t a g h e l a T U

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معنا | انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشکده الهیات | هفته دوم دی ۱۴۰۰ | شماره هفتم



طلیعه وحدت

لزوم تحقق آرمان وحدت حوزه و دانشگاه

مقدمه سردبیر
فاطمه الیاسی

به وضوح دیده می‌شود. با این اوصاف به آسانی می‌توان دریافت همکاری دو نهاد حوزه و دانشگاه که هر کدام از جهاتی مکمل دیگری است چه نتایج روشنی به دنبال دارد. از نظریه‌پردازی و تولید علم نافع با توجه به تهذیب، تعهد و اخلاق گرفته تا اسلامی شدن دانشگاه‌ها و داستان نانوشتی تحول در علوم انسانی... بر همین اساس باید از ظرفیت‌های هر یک از این نهادها برای کامل کردن دیگری بهره برد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «در نظام اسلامی علم و دین پایه‌پا باید حرکت کند. اگر حوزه و دانشگاه به هم وصل و با یکدیگر کمک و همکاری کنند دو شعبه از یک موسسه‌ی علم و دین هستند». بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه ۱۳۶۸/۰۹/۲۹ حوزه و دانشگاه اهداف مشترکی نیز دارند. در سایه‌سار این وحدت، اصول و ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی نیز تحقق می‌یابد. در آن زمان جامعه اسلامی ما به سمت یک جامعه‌ی پیشرفته و مستقل و متدین حرکت می‌کند که سایر جوامع به آن به مثابه‌ی یک الگو برای تحول می‌نگرند.

از همان روزهای آغازینی که امام راحل دو قشر روحانیون و دانشجویان را مغز متفکر جامعه نامیدند و فرمودند: «تکلیف برای شما دو طایفه از سایرین زیادتر است». وحدت حوزه و دانشگاه به یک آرمان و هدف متعالی تبدیل شد. در آن روزها وحدت دو قشر روحانیون و دانشجویان در به ثمر رساندن نهال انقلاب اسلامی بسیار تاثیرگذار بود. حال پس از گذشت ۴۲ بهار از انقلاب اسلامی ایران ضرورت وحدت بین این دو نهاد علمی بیش از گذشته آشکار گردیده تا در نهایت، با انجام اقدامات تاثیرگذار بتوان بار سنگین این تکلیف و مسئولیت را به سر منزل مقصود رساند.

در هر جامعه‌ای ماهیت نهادهای علمی و تربیتی، اهداف آن و چگونگی تربیت افرادی متعهد و مرتبط با اصول و موازین آن جامعه، در پیشرفت و یا انحطاط آن کشور بسیار تاثیرگذار است. این در حالی است که امروزه، خلأ معنویت و بی‌توجهی به ارزش‌های اصیل دینی و اسلامی در فضای دانشگاه و دانشجویان

روی لوگو بزنید



صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبایی (ره)
مدیر مسئول: محمدعلی شبانی سردبیر: فاطمه الیاسی ویراستار: فاطمه الیاسی صفحه‌آرایی: نرگس محمدی دوست
هیئت تحریریه: فاطمه الیاسی، فاطمه پیلور خورشیدی، نرگس جانی، جعفر افتخاری، کوثر مسیح طهرانی، مهدی زرگری، زهراسرهنگی



بال‌هایی برای پرواز

وحدت حوزه و دانشگاه مهم‌ترین مقدمه برای انقلاب امام

اساسی برای تامین نیروی انسانی در نظام اسلامی هستند. بنابراین حوزه و دانشگاه باید دارای وحدت نظری و عملی باشند.

امام راحل در سخنرانی ۲۷ آذر سال ۱۳۶۱ درباره وحدت حوزه و دانشگاه می‌فرماید: «دانشگاه و حوزه‌های علمیه می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفت‌های کشور و می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و انحطاطات کشور. اگر دانشگاه واقعا دانشگاه باشد و دانشگاه اسلامی باشد یعنی در کنار تحصیلات، در آنجا تهذیب هم باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می‌توانند به سعادت برسانند». همچنین امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه سیاسی-الهی خویش، وحدت حوزه و دانشگاه را خواستار می‌شوند و می‌نویسند: «توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی، پیوند دوستی و تفاهم را محکم‌تر و استوارتر سازند».

نتایج وحدت حوزه و دانشگاه

یکی از نتایج وحدت حوزه و دانشگاه تلاش و همدلی آنها در راه مبارزه با تهاجم فرهنگی است. این تهاجم که به صورت نامحسوس و بی‌سروصدا روی می‌دهد، نیازمند همیاری اندیشمندان و نخبگان است تا با بررسی جنبه‌ها و ریشه‌های آن، نسخه مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن را به جامعه عرضه کنند. در این زمینه حوزه‌های علمیه به تبیین آن همت می‌گمارند. رهبر معظم انقلاب معتقدند که برای وحدت حوزه و دانشگاه اقداماتی باید صورت بگیرد از جمله: بروز شدن حوزه علمیه، اسلامی شدن دانشگاه که تحقق هر کدام از آنها نیازمند طی کردن یک‌سری از مراحل و برنامه‌ریزی و اجرایی کردن آن است. برخی اقداماتی که به صورت عینی‌تر صورت گرفته را می‌توان بدین‌گونه نام برد: برگزاری همایش‌ها و میزگردهای علمی و تبادل نظر حوزویان و دانشگاهیان، گنجاندن دروس معارف، اخلاق و متون اسلامی در نظام آموزشی دانشگاهها، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، دانشگاه امام صادق(ع)،

یکی از پیش‌فرض‌های لازم برای ظهور انقلاب اسلامی ایران بی‌شک همین جریان وحدت حوزه و دانشگاه است. چرا که اگر این جریان شکل نمی‌گرفت جمعیت دانشگاهیان، نهضت انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) که برخاسته از حوزه بود را همراهی نمی‌کردند. شهید مفتاح نماد وحدت حوزه و دانشگاه است. ۲۷ آذر سال ۱۳۵۸ یادآور شهادت مظلومانه شهید آیت‌الله محمد مفتاح است که به دلیل تلاش‌هایش برای وحدت دو نهاد حوزه و دانشگاه، این روز، روز وحدت حوزه و دانشگاه نام گرفت. شهید مفتاح در نزدیک کردن حوزه و دانشگاه تلاش بسیاری کرد. او معتقد بود که دانشگاهیان با فراگیری علوم اسلامی و ایجاد روحیه زهد و تقوا در میان دانشگاه‌ها می‌توانند در راه ایجاد محیطی آماده که به تربیت متخصصان همت می‌گمارند تلاش کنند. وی همچنین معتقد بود حوزویان باید به علوم روز مسلط شوند و از این راه در راه تبلیغ معارف الهی گام بردارند.

پیوند حوزه و دانشگاه

تعبیر پیوند حوزه و دانشگاه بدین معنا است که دو نهاد مهم، یعنی حوزه و دانشگاه باید در جامعه باشند تا بتوانند به کمک یکدیگر در تامین نیازهای مادی و معنوی جامعه اسلامی نقش پررنگی را ایفا کنند. این دو نهاد باید در کنار هم در راستای تحقق آرمان‌های جامعه اسلامی با هوشیاری حرکت کنند؛ اما نباید هیچ‌گونه فاصله و جدایی بین آنها باشد. جامعه و خصوصاً یک جامعه دینی نیازهای علمی متنوعی دارد و هر یک از این دو نهاد به پاره‌ای از این نیازها اهتمام داشته است. عمده دغدغه حوزه در زمینه رفع نیازهای حیات معنوی انسان‌ها است و عمده

دغدغه نظام زمینه رفع نیازهای حیات مادی جامعه و معیشت دنیوی انسان‌ها است. با توجه به پیوند دقیقی که بین نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها وجود دارد، پیوند این دو نهاد امری اجتناب‌ناپذیر است.

ضرورت وحدت حوزه و دانشگاه

جامعه برای بقای خود نیازمند وحدت و انسجام اجتماعی است که از طریق تعامل و همکاری سازنده نهادهای اجتماعی حاصل می‌شود. علاوه بر این حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها به عنوان دو رکن

دانشگاه باقر

العلوم، مدرسه عالی شهید

مطهری و... که در آن آموزش‌هایی به

صورت تلفیقی صورت می‌گیرد. در جامعه‌ای

اگر وحدت نباشد به خصوص وحدت در نهادهای

مهم که در رأس آن حوزه و دانشگاه قرار دارد؛ آن جامعه از

هم پاشیده می‌شود لذا باید تلاش‌های بسیاری در وحدت این

دو نهاد مهم و بزرگ کشور صورت گیرد.

فراز و فرودهای یک قانون

مصاحبه با دکتر طاووسی پیرامون قانون اعطای مدرک
کارشناسی علوم قرآن و حدیث به حافظان قرآن

در سال ۷۶ قانون اعطای مدرک کارشناسی و بالاتر به حافظان کل قرآن مجید توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد. طبق این قانون حافظان قرآن پس از اخذ مدرک درجه سه سازمان تبلیغات اسلامی از طریق آزمون حفظ کل (در دو مرحله شفاهی و کتبی)، مجاز به شرکت در کنکور ارشد علوم قرآن و حدیث خواهند بود. بر همین اساس در این شماره از نشریه با جناب آقای دکتر سعید طاووسی عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) در خصوص بررسی قانون اعطای مدرک کارشناسی علوم قرآن و حدیث به حافظان قرآن و مشکلات و راه‌حل‌های آن به گفت‌وگو پرداختیم.

با توجه به شرایط رشته علوم قرآن و حدیث آیا «حفظ قرآن» به تنهایی می‌تواند مؤید اعطای مدرک کارشناسی علوم قرآن و حدیث باشد؟

در مقطع کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث، دروسی مشخصی مثل تاریخ حدیث، آشنایی با تفاسیر، صرف و نحو، علوم قرآن و... وجود دارد. حافظان قرآن با تفاسیر آشنا نمی‌شوند و فقط نسبت به متن قرآن تسلط پیدا می‌کنند. بنابراین اعطای مدرک کارشناسی علوم قرآن و حدیث به حافظان قرآن به نظر بنده امر مطلوبی نیست. اگر فرد حافظ تمام دروس کارشناسی علوم قرآن و حدیث را نخواند و مدرک آن را بگیرد، در آینده و در مقطع کارشناسی ارشد مانند کسی است که صلاحیت ندارد و وارد مسائلهای شده که مقدماتش را طی نکرده است.

انتقاداتی نسبت به سطح علمی حافظان قرآن کریم که بر اساس این قانون وارد مقطع کارشناسی ارشد شده‌اند وجود دارد (آشنا نبودن این دانشجویان با علوم قرآن و حدیث مثل صرف و نحو، علوم قرآن، تفسیر، فقه الحدیث و مواردی از این قبیل) به نظر شما برای رفع این مشکل استفاده از چه راهکارهایی می‌تواند کمک‌کننده باشد؟

در خصوص این موضوع به چند راهکار می‌توان اشاره کرد: اگر کسی قبل از دوره دانشگاه قرآن را حفظ کرده است می‌تواند به آن اجازه بدهند تا در رشته علوم و قرآن حدیث بدون شرکت در کنکور درس بخواند و یا اگر دانشجو باشد می‌تواند معافیت از دروس مرتبط با متن قرآن مثل روخوانی و قرائت قرآن را برای دانشجو در نظر بگیرند. یکی دیگر از راهکارها این است که دروس پیش‌نیاز در واحدهای درسی دانشجویانی که به واسطه چنین قانونی وارد مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث شده‌اند، قرار داده شود تا از این طریق کاستی‌های نخواندن چنین دروسی برای آنها جبران شود. اما در کل بنده صلاح نمی‌بینم. چه ضرورتی دارد که ما فرد را در مقطعی قرار بدهیم و بعد برایش پیش‌نیاز بگذاریم، خوب از ابتدا برود همان‌ها را بخواند.

تعریف رشته جدیدی به نام حفظ، به جای اعطای مدرک علوم قرآن و حدیث به حافظان قرآن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا چنین پیشنهادی با در نظر گرفتن همه شرایط مطلوب است؟

خیر بنده با این پیشنهاد موافق نیستم. چون حفظ صرفاً یک فن است و علمیت ندارد که مدرکی به آن اختصاص یابد؛ یعنی شما همان‌طور که می‌توانید کلیه و دمنه، بوستان و گلستان را حفظ کنید قرآن را هم به همان شکل حفظ کنید. مگر اینکه رشته‌ای را ایجاد کنند که در آن حفظ را محوریت قرار دهند و در کنار حفظ، مفاهیم و آشنایی با تفسیر هم داشته باشند که به مجموع این موارد مدرکی اعطا شود.

آیا این دانشجویان فرصت برابر رشد تحصیلی نسبت به دیگر دانشجویان را خواهند داشت؟

با در نظر گرفتن شرایط به نظر بنده به این افراد لطمه وارد می‌شود. دوره کارشناسی یک دوره مهم است و حذف این مقطع خسارت غیر قابل جبرانی است. چون یادگیری مباحث پایه‌ای در این مقطع است. اما وجود چنین قانونی باعث می‌شود آن‌ها پایه و اساس لازم را ندارند، بعد با همان مبنای ناقصی که دارند به همین شکل جلو می‌روند ممکن است حتی به مقطع دکتری نیز برسند اما چون در مراحل آموزشی آنها خلل‌هایی بوده، بعداً که می‌خواهند در مرتبه هیئت علمی و یا استادی قرار بگیرند نسبت به رقبای خودشان عقب می‌افتند. به نظر بنده چه خوب است رشته علوم قرآن حدیث را مستقل ببینیم.

این کار خدمت به حافظ قرآن نیست! بلکه ممکن است آن‌ها را نسبت به آن چیزی که باید داشته باشند دور کند و عقب بیندازد. آنها حمایت نمی‌شوند بلکه به آنان ظلم می‌شود. البته استثناهایی هم هستند که کارشناسی رشته‌ای را نخوانده‌اند ولی در مقطع ارشد آن رشته تحصیل می‌کنند. چنین افرادی کمبودها و ضعف‌های خودشان را جبران کرده‌اند.



تحول، داستانی بی پایان

تبیین موضوع محوری انجمن مستقل دانشکده الهیات
پیرامون اسلامی سازی علوم انسانی (۲)

این داستان تلخ از جایی شروع شد که بدخواهان خودباخته‌مان برای زمین زدن ما دست به هرکاری زدند اما به بن بست رسیدند؛ چون فرهنگ اسلام آنقدر کامل و غنی بود که نمی‌توانستند نقصی به آن وارد کنند. غربی‌ها خودشان هم غرق در طوفان بحران‌های جامعه‌شان بودند تا اینکه در آن شرایط به فکر تزریق علم و تفکر به اصطلاح روشنگری‌شان به جامعه اسلام افتادند. آنها مانند نامادری کینه‌توز با لالایی‌های آرام‌بخش خود جامعه ما را به خواب بردند. البته سر این قصه دراز به عوامل داخلی ما نیز می‌رسد.

در اینجا ابهامات و سوالاتی مطرح می‌شود که نیاز به تفکر و تعمیق بسیاری دارد. اینکه سرمنشأ این علوم و تفکرات‌شان چه بوده است؟ چه پیامدهایی را به دنبال دارد؟ تحول علوم انسانی به چه معناست؟ چه دلایلی تحول در علوم انسانی را ضروری می‌سازد؟ در ادامه با توجه به سخنان مقام معظم رهبری به این سوالات پاسخ داده می‌شود.

راه بی مقصد

با توجه به سخنان مقام معظم رهبری علوم انسانی کنونی ما محصول تحول نگاه و رویکردی است که به عنوان «روشنگری» در غرب شکل گرفت. از دید فیلسوفانی

همچون کانت، دین به وجود آمده تا انسان بتواند به آن تکیه کند. این در حالی است که ما بالغیم و بدون دین و با تکیه بر عقل می‌توانیم بر مشکلات فائق شویم. پس از آن دین را از صحنه کنار گذاشتند. نگاه غرب به انسان نگاه مادی‌گرایانه است. آنها انسان را همچون حیوان می‌پندارند و رفتارهای او را با روش تجربی مطالعه می‌کنند. در حالی که از نظر اسلام، انسان روح دارد و صرفاً انسان مادی دنیوی نیست. عقل در مسیر شناخت انسان کمک‌کننده است اما بدون وحی و انبیا نمی‌تواند روشن‌کننده راه هدایت ما به سمت سعادت ابدی باشد.

آندر احوالات علوم انسانی فعلی

اگر به محتوای رشته‌های دانشگاهی بنگریم، وجود نظریات غربی سر به فلک کشیده را می‌بینیم. برای نمونه رشته روانشناسی پر از نظریات فروید و هاولند، اسکینر و... است که

نه تنها دردی را دوا نمی‌کند بلکه زخمی بر زخم‌های فعلی مان می‌شود. بسیاری از این محتواها برخلاف دین و مبانی الهی علوم انسانی است. زیرا از فرهنگ و عقاید بیگانه‌ای شکل گرفته و نمی‌تواند پاسخگوی مسائل جامعه‌مان باشد مثل اقتصاد ربوی که امروزه جامعه را فرا گرفته است. یکی از علل عقب ماندگی ما در علوم انسانی هم همین محتواهای ترجمه‌ای غرب است که جایگاه قوی ندارد و حتی خود غربی‌ها هم به آن نقد وارد کردند. نتیجه این محتواهای غربی و ترجمه‌ای می‌شود تربیت اساتید و مسئولانی که بویی از معنویت ندارند و غرب را قدرت برتر می‌شمارند. این علوم، از لحاظ ساختار، محتوا و نیروی انسانی دچار اشکال اساسی است. در بعد نیروی انسانی، وجود افرادی غرب‌زده و ناآگاه مشاهده می‌شود که به عنوان صاحب‌نظر درباره علوم انسانی و تحول آن سخن به میان می‌آورند. در بعد محتوا، نبود تولیدات بومی بر اساس مبانی اسلام و در بعد ساختار، جدایی دو نهاد حوزه و دانشگاه به شدت احساس می‌شود. راه‌حل این مسائل در یک کلمه خلاصه می‌شود: «تحول» تحول در ۴ شاخص بیان می‌شود.

۱. روزآمد بودن علوم انسانی ۲. میزان کارآمدی و کاربردی بودن علوم انسانی در جامعه ۳. بومی‌سازی علوم انسانی: یعنی مسائلی که درباره آنها صحبت می‌شود تا چه میزان مقتضیات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و زیستی یک انسان ایرانی را در بافت فرهنگ اسلام حل می‌کند. ۴. اسلامی‌سازی: یعنی ما بتوانیم با توجه به مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی، انسان‌شناسی تولید علم انجام بدهیم. باید توجه داشت دو شاخص اول حتماً شروط لازمی هستند اما کافی نیستند و زمانی به کفایت می‌رسند که به بومی‌سازی و اسلامی‌سازی نیز توجه شود.

تحول، چراغ نجات

مقام معظم رهبری در باب اهمیت علوم انسانی می‌فرمایند: «بسیاری از حوادث دنیا محکوم نظریات علوم انسانی است و این علوم جهت‌دهنده مسیر جهان حاضراست». بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه شیراز - ۱۳۸۷/۰۲/۱۴ پس نقش و جایگاه مهم این علوم برایمان مثل روز روشن است. از طرفی روح علوم انسانی ما را علوم منسوخ‌شده غرب به سیطره خود درآورده است. سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که ما باید در مقابل این تهاجم علمی چه کنیم؟ آیا در دولت فعلی به آن پرداخته شده است؟ چه نهادهایی متولی این امر هستند؟ عملکرد این نهادها چگونه بوده؟ و... برای رسیدن به پاسخ این سوالات با شماره‌های بعدی نشریه همراهان باشید. ادامه دارد...



جعفر افتخاری
عضو شورای دانشکده الهیات

در جست‌وجوی توافق

توجه به دیپلماسی اسلامی در مذاکرات

پس از مذاکرات برجام در دولت سابق و خروج آمریکا از آن، چندی است تیم مذاکره‌کننده در دولت جدید، دوباره عازم وین شده است تا چله‌ی جدیدی از مذاکرات را شروع کند. اما این بار بدون آمریکا و با گروه ۱+۴.

مذاکرات غربی از آن‌رو که روح ماتریالیستی بر آن حاکم است جز منافع مادی به چیز دیگری نمی‌اندیشد. مادر مقابل این روح مادی‌گرایی، مذاکراتمان باید بر پایه اصول مذاکراتی سیره نبوی باشد تا در تعاملات با غرب دچار کج‌روی نشویم. برخی از این اصول قاعده نفی سبیل، تقدم صلح‌طلبی بر ستیزه‌گرایی و رعایت احترام متقابل است. با توجه به آیه‌ی اولی الامر، تبعیت از این اصول در هنگام مذاکرات واجب است.

تعاملات بین‌المللی می‌تواند تجربه مسئولین را در مسائل سیاسی افزایش دهد. علاوه بر آن معاهدات برقرار شده فرصت‌های مغتنمی را پیش روی کشورها قرار می‌دهد. یکی از این فرصت‌ها تقویت زیرساخت‌ها، تنظیم روابط مالی و سیاسی بین کشورها است که می‌تواند ظرفیت‌های بی‌شماری را در جنبه‌های مختلف کشوری بروز دهد. برای مثال از گفت‌وگوی جعفر بن ابی‌طالب با پادشاه حبشه یاد می‌کنیم که باعث شد مسلمانان در حبشه بدون تجاوز به حقوق مسلمانان زندگی کنند. به خاطر همین مذاکره، جبهه محکمی از مسلمانان در حبشه به وجود آمد که بعدها به بازوان اجرایی پیامبر در حکومت مدینه تبدیل شدند. مذاکرات اگر به شیوه‌ی درست، صحیح و کارآمد انجام شود قطعاً به نفع ملت خواهد بود. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «تعامل با دنیا هیچ مشکلی ندارد ما از اول هم اهل تعامل با دنیا بودیم». ایشان در ادامه نسبت به شناخت اهداف طرف مقابل و شگردهای آن توصیه می‌کنند. این فرمایش مقام معظم رهبری، لزوم دقت عمل درباره مواضع و حرکت‌های طرف مقابل، انجام اقدامات مناسب در راستای مواضع و حرکت‌های آنان را نشان می‌دهد.

سرانجام تلخ

یکی از عمده موانعی که باعث شد مذاکرات در دولت قبلی ثمری بر جای نگذارد سهل‌اندیشی در اعتماد به آمریکا بود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَّرُونَ» و به سوی کسانی که ستم کردند، متمایل نشوید، که آتش دوزخ به شما خواهد رسید! درحالی که جز خدا

هیچ سرپرستی برای شما نیست؛ سپس یاری نخواهید شد. هود ۱۱۳

دولت سابق، بدون در نظر گرفتن اینکه آمریکا دشمن دیرینه ایران و اسلام است در اعتماد به آن کوتاهی کرد. بارها در طول تاریخ اثبات شده که اهداف آمریکا تنها نابودی و ضربه زدن به مواضع انقلاب بوده است. امام علی (ع) می‌فرمایند: «اعتماد کردن به دشمن عامل فریب خوردن از اوست». غرر الحکم-۴۷۷۵ در ادامه‌ی این اعتماد بی‌پایه و اساس، عجله در توافق با آمریکا، نگرفتن تضمین‌های محکم برای لغو تحریم‌ها، پیش‌قدم بودن در انجام تعهدات و چندین عملکرد نابخردانه دیگر که از سوی روحانی صورت گرفت نه تنها پیشرفتی در مذاکرات حاصل نشد بلکه منجر به کاهش فعالیت‌های هسته‌ای ایران شد. شعارهای برجامی روحانی نیز هیچگاه جامه‌ی واقعیت بر تن نکرد.

برجام، به سبک رئیسی

هم اکنون با شروع دوباره مذاکرات، دولت جدید باید رویکرد جدیدی پیش گیرد و با شیوه‌های نو، پا به عرصه گذارد. چرا که تجربیات تلخ گذشته در برجام علاوه بر وارد کردن ضربه اقتصادی شدید به کشور، بی‌اعتمادی مردم را نیز به دنبال داشت. به این دلیل که مردم، بیشترین ضربه‌ها را در اثر اشتباهات مسئولین می‌خورند. دولت جدید باید سعی کند با به کار بردن نقشه‌های کارآمد و جدید اوضاع را بهبود بخشد. در چنین شرایطی دولت رئیسی کار سختی پیش رو دارد؛ چون باید در عین ایجاد وحدت میان موافقان و مخالفان مذاکرات، این پرونده‌ی ناتمام را به فرجام رساند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد پیروی کردن از اصل مذاکرات در سیره پیامبر لازمه ورود به بحث مذاکرات است. اعتماد بی‌پایه و اساس به دشمن، باعث شکست از اوست. در قدم اول باید اعتماد طرفین نسبت به یکدیگر جلب شود تا قدم‌های بعدی دچار مشکل نشود. اگر قدم اول به درستی برداشته نشود مطمئناً تمام برنامه‌ها با شکست مواجه می‌شود. گرفتن تضامین‌های قاطع برای اجرای مفاد پیمان‌نامه، عمل همزمان به تعهدات از سوی دو طرف و کوتاه کردن دست آمریکا برای اقدام علیه ایران و مهم‌تر از آن خارج نشدن از حد و حدود و عمل به توصیه‌های مقام معظم رهبری در به ثمر نشستن تعهدات موثر است. همچنین خداوند متعال مسلمانان را به استقامت در برابر دشمنان توصیه می‌کند: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمِن تَابٍ مَّعَكَ وَلَا تُطَغُوا إِنَّهُ بِمَتِّعِمِلُونَ بَصِيرٌ» سوره هود آیه ۱۱۲ زیرا «الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ» سوره محمد آیه ۱ خداوند برنامه‌ها و اهداف دشمنان کافر و کسانی که در مسیر خدا سنگ‌اندازی کنند را بی‌اثر می‌سازد و آنها را با شکست مواجه می‌کند. اسلام دینی است که در همه زمینه‌ها از سیاست و فرهنگ و اجتماع و... فرامین ارزشمندی دارد که عمل به توصیه‌های آن دستاوردهای بزرگی را فراهم می‌آورد. همان‌طور که پیامبرخاتم(ص) توانست اسلام در مناطق مختلف گسترش و تعاملات خوبی را با دیگر مناطق و کشورها انجام دهد. همین کافی است تا به این باور برسیم ما نیز می‌توانیم در تمام زمینه‌ها به موفقیت‌های عظیمی برسیم به شرط تمسک به اسلام و وحدت و استقامت در راه حق.

شهادت ارمان الهی

تبیین ایثار و شهادت در فرهنگ قرآن و حدیث

ایثار در لغت به معنی برگزیدن، عطا کردن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن است و برگزیدن یعنی: منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن. ایثار مقدمه‌ای برای شهادت است. شهادت برترین سکو برای رسیدن به اوج قله‌ی کمال به شمار می‌رود. البته به عبارت دیگر شهادت به حق پیوستن و به زیارت خدا رفتن است. فرهنگ ایثار و شهادت منشأ بیداری و آگاهی، جوانمردی، شجاعت و نشاط مردم بوده است.

مرگ تاجرانه از دیدگاه قرآن و بزرگان دین

قرآن کریم با بیان نمونه‌هایی، ایثار و شهادت را ستوده و ویژگی‌هایی را برای آن بیان نموده است: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» بقره/۱۵۴ «کشته‌شدگان در راه خدا را مرده نخوانید بلکه آنان زنده‌اند ولیکن شما درک نمی‌کنید». نکته چشمگیری در این آیه وجود دارد که می‌فرماید: «ولکن لما تشعرون» «شما نمی‌دانید» و آن به این معنی است که شهدا زنده‌اند و نزد پروردگار روزی می‌خورند.

در آیه بالا سه تذکر بسیار مهم درباره شهدا به انسان‌های دیگر وجود دارد: ۱. در پندار و گفتار در مورد شهدا نباید لفظ «مرگ» را به کار برد. ۲. حیات شهدا بعد از شهادت برای همیشه جاودان است. ۳. ما توان درک زندگی شهدا را نخواهیم داشت. در واقع این سوره جایگاه شهید را نشان می‌دهد و مفهوم این نکته آن است که بشر نمی‌تواند مقام رفیع شهید را درک کند. در تفسیر آیه ۱۶۹ سوره آل عمران آمده است: «همان‌گونه که کور، مفهوم بینایی را درک نمی‌کند، زندگان دنیا نیز حیات شهدا را درک نمی‌کنند». برای رسیدن به این مقام تقویت درونی ایمان، یقین، بصیرت، رشادت، شجاعت، تعصب‌دینی و ملی و ضروری است. رشد و شکوفایی در هریک از این موارد قدمی برای رسیدن انسان به کمال و سعادت است. امام صادق (ع) از پدر بزرگوارشان نقل می‌کنند که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «بالاتر از هر نیکی، نیکی برتری است. تا اینکه شخص در راه خدا کشته شود، پس هنگامی که در راه خداوند عزوجل کشته شد، نیکوکاری بالاتر از آن نیست». بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰ هر چه فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی این نظام ارزشمند، در جامعه تقویت شود روح از خودگذشتن، ایثار، فداکاری در جامعه بیشتر می‌شود و اجتماع از هر جنبه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی رو به رشد و بالندگی می‌رود.

رهبر معظم انقلاب نیز در این رابطه می‌فرماید: «هر ملتی که متکی به شهادت شد یعنی شهادت را بلد بود و هنر شهادت را یاد گرفت، برای همیشه سربلند است و هیچ قدرتی بر این ملت پیروز نخواهد شد. قدرت‌های دنیا، برای تحمیل افکار خودشان بر ملت‌ها،

بر دولت‌ها، بر کشورها و بر زبده‌ها، از تهدید، تطمیع، رشوه، فشارهای گوناگونی مانند: فشار تبلیغاتی و نظامی و امثال اینها استفاده می‌کنند.

و اما ملتی که اهل شهادت و شهیدپرور است، ملتی که توانسته باشد برای جوانان خود، برای مردان و زنان خود، قضیه کشته شدن در راه خدا را حل کند، آیا تحت تأثیر

تهدید قرار می‌گیرد؟! آیا

رشوه می‌گیرد؟! آیا

تسلیم قدرتمندان

می‌شود؟! آیا به

استکبار بار می‌دهد؟! ابدأ. لذا امروز نگاه

کنید؛ عزت و عظمت

کشور شما به برکت

خون همین عزیزان

شماست. دولت‌ش،

ملت‌ش، مسئولینش و آحاد

طبقات مختلفش، هیچ کدام حاضر نیستند

خدش‌های به عزت اسلامی این ملت

وارد شود». بیانات در دیدار جمعی از

خانواده‌های شهدا- ۰۵/۰۷/۱۳۷۷

همچنین شهید مطهری متفکر

و فیلسوف بزرگ درباره مقام شهید

می‌فرمایند: «مثل شهید مثل شمع است

که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی

شدن و پرتو افکندن است، تا دیگران در این

پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند

و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند».

مجموعه آثار شهید مطهری ج ۲۴، ص: ۴۴۷

وظیفه ما در مقابل شهدا

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخشی از پیام‌های خود نوشته‌اند: «وظیفه قدردانی از ایثارگران به ویژه شهیدان، فریضه‌ای عینی و تعیینی و همیشگی است». ما بر اساس فرمایش ایشان و بنا بر وظیفه شرعی باید قدرشناس شهدا و ایثارگران و ادامه‌دهنده راه آنان باشیم. لازمه انجام این کار در وهله نخست، شناخت سیره و روش زندگی شهدا و در مرحله بعد الگوبرداری از آنان است. الگوبرداری نسل جوان جامعه از بزرگ‌مردان دین مسئله مهمی است که به درستی در کشور ما صورت نگرفته است. ما باید با الگو گرفتن از شهدا و سبک زندگی آنها، زنده نگه داشتن یاد و خاطره‌ی این بزرگواران و بررسی رفتار آنان در میان جامعه، جمع دوستان، محل کار و تحصیل، خانواده و... به یک جامعه با سبک زندگی درست، سالم و اسلامی برسیم. اکنون وظیفه داریم با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری مبتنی بر تدوین سبک زندگی اسلامی، کارهای فرهنگی تاثیرگذاری انجام دهیم و در پیروی از سیره شهدا با مدون کردن سبک زندگی‌شان به اهداف آنان پایبند بمانیم.

حقوق گرای اسلامی

ضرورت دقت نظر در عادلانه بودن حقوق و مزایای کارگزاران



برای تحقق آن رسالت یافته و بسیاری نیز در راه عدالت جان خود را فدا کرده‌اند. مدیران و مسئولان اگر نسبت به این آرمان اهتمام داشته باشند مسائل و مشکلاتی همچون فقر، فاصله طبقاتی میان مردم جامعه، مشکلات معیشتی و... در جامعه تا حد مطلوبی کاهش پیدا می‌کند. در آن زمان مردم میان خود و مسئولان فاصله بسیاری احساس نمی‌کنند. می‌دانند کارگزاران جامعه‌شان در چنین شرایطی با روحیه همدردی و تمسک به اصول و مبانی اسلامی در جهت حل مشکلاتشان تلاش خواهند کرد.

اشرافی‌گری، سبکی ناپسند برای زندگی

یکی از مهم‌ترین دلایل انحطاط جوامع و تمدن‌های گذشته اشرافی‌گری بوده است و مهم‌ترین دلیلی که برخی از مردم دعوت انبیا را نپذیرفته‌اند، اشرافی‌گری بوده است. زیرا هنگامی که اشرافیت بر ذهن و ضمیر انسان‌ها سایه افکنده باشد، دیگر جایی برای رشد ارزش‌های معنوی که حیات هر جامعه‌ای بر آن است، نخواهد بود. مقام معظم رهبری درباره مسئولان می‌فرماید: «افزون طلبی برای مسئولان ممنوع است. مشی اشرافی‌گرایانه برای مسئولان کشور، نقطه ضعف به شمار می‌آید. اگر دیگران این را لازمه‌ی رسیدن به مقامات عالی‌ه‌ی کشور می‌دانند، در نظام اسلامی، این‌ها نه تنها لازمه‌اش نیست، بلکه نقطه ضعف هم محسوب می‌شود». بیانات در دیدار با جمع کثیری از مردم استان گیلان ۱۳۸۰/۲/۱۱ برای کاهش روحیه اشرافی‌گری راهکارهای زیادی متصور است ولی برخی از راهکارها مناسب‌تر و عملیاتی‌تر به نظر می‌رسد که عبارتند از: افزایش آگاهی نسبت به مرگ و جهان پس از مرگ، پایبندی به این اصل که حاکمان و وابستگان حکومت باید از نظر تمکن مالی خود را در حد ضعیف‌ترین افراد جامعه نگه دارند، نظارت دقیق و کنترل شدید کارگزاران حکومتی و جلوگیری از آلودگی آن‌ها به اشرافی‌گری و...

حکومت حضرت علی (ع) به عنوان عالی‌ترین نمونه حکومت در نظام اسلامی به شمار می‌رود. عملکرد ایشان به عنوان حاکم جامعه اسلامی، الگوی مطلوبی برای کارگزاران به شمار می‌رود. بنابراین مسئولان با اندکی توجه به مبانی زندگی ایشان می‌توانند از بسیاری از رذیلت‌های اخلاقی و اقدامات ناپسند همچون امتیازطلبی، رعایت نکردن عدالت، دریافت حقوق‌های نجومی، اشرافی‌گری و... پرهیز کنند و آن طور که شایسته است در مسیر انجام وظایف خود گام بردارند.

در نظام اسلامی همه‌ی انسان‌ها با هم برابر هستند و هیچ انسانی از نظر اهمیت شغلی و جایگاه اجتماعی شغلش مورد احترام سایرین قرار نمی‌گیرد. تاکید بر حقوق‌گرایی در نظام حقوقی اسلام جزو بخش‌های مهم و تاثیرگذار محسوب می‌شود و همچنین حقوق‌گرایی بخش عمده‌ی تفکر در نهج‌البلاغه را تشکیل می‌دهد. حقوق در برابر وظیفه است و این دو در کنار هم، افراد را به سمت جامعه‌ای حقوق‌محور و وظیفه‌شناس که افراد در آن، بیش از حق خود را نمی‌طلبند و با وظیفه و حقوق خود آشنا هستند، سوق می‌دهد. جامعه باید بر اساس حق و نظام حقوقی عادلانه مدیریت شود. در نظام حقوقی اسلامی بیش‌ترین تاکید به عدالت‌محور بودن است و این به معنی مساوی بودن همه‌ی افراد نیست.

انقلاب شفافیت

حقوق‌های نجومی در بین مسئولان و کارگزاران کشور باعث ایجاد پنج نوع تفکر می‌شود که شامل: هجوم به ارزش‌ها، سرقت از بیت‌المال، خیانت در امانت، سوءاستفاده از فرصت‌ها و طبیعت نظام سرمایه‌داری است. با توجه به این مسائل و قضاوت‌هایی که در افکار عمومی و رسانه‌های داخلی و خارجی در این خصوص مشاهده می‌شود باید برای از بین بردن این افکار و جلوگیری از دریافت حقوق‌های نجومی توسط مسئولین نظام چاره‌ای اندیشید. شفاف‌سازی حقوق و مزایا باعث اعتمادسازی بین مردم و رفع حدس و گمان‌های نادرست نسبت به کارگزاران است. همچنین موجب می‌شود مسئولان در رفتار و عملکرد مالی خود دقت و مراقبت بیشتری کنند. در مبانی دینی ما در این خصوص، برای کارگزاران نظام اسلامی ویژگی‌ها، اصول و ارزش‌های بسیاری بیان شده است. از جمله: رعایت عدالت، خودداری از اشرافی‌گری، همدردی با مردم و... در ادامه به توضیح مختصری از آنها می‌پردازیم.

عدالت، آرمانی انسانی

عنوان عدالت، سابقه‌ای به قدمت عمر بشر دارد. از سپیده‌دم آفرینش، بشر آن را به عنوان یک گرایش باطنی شناخته و به آن روی آورده و

مبنای قوانین و قضاوت و این عدالت، است که تمام دینی و الهی است. فراتر از دینی و الهی قرار داده است که تمام پیامبران

